

تنظیم‌کننده گفت‌وگو: شهلا فهیمی

معلم

هویت

وی از مدافعان جدی رویکرد مدرسه‌محور است و تحول‌پایدار را حاصل مشارکت فعال معلمان می‌داند. این گفت‌وگو چشم‌اندازی واقع‌بینانه و الهام‌بخش از مسیر پیش‌روی آموزش کشور عرضه می‌کند.

با توجه به اینکه بخشی از مخاطبان ما دانشجو‌معلمان هستند، در حوزهٔ هویت‌سازی چه راهکارهایی به آنان پیشنهاد می‌کنید؟ در این مسیر چه اقداماتی باید انجام دهند؟ محیط دانشگاه فرهنگیان فقط یک «مکان» فیزیکی نیست، بلکه یک «زیست‌بوم تربیتی» است؛ مجموعه‌ای از ارتباط‌ها، شبکه‌ها، حلقه‌ها و تعاملات که در کنار هم فرایند هویت‌سازی را شکل می‌دهند. این فضا در شکل‌گیری شخصیت حرفه‌ای

در روزگاری که نظام آموزشی ایران با چالش‌هایی چون تحول محتوای درسی، گسترش فناوری‌های نوین و تغییر انتظارات اجتماعی مواجه است، گفت‌وگو با مدیرانی که تجربهٔ کلاس درس و نگاه راهبردی را توأمان دارند، ضرورتی انکارناپذیر است. دکتر سیدمهدی باقریان، مدیرکل دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی ابتدایی و متوسطه نظری وزارت آموزش و پرورش، از جمله چهره‌هایی است که مسیر حرفه‌ای خود را از تدریس فیزیک در مدرسه تا سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلان آموزشی طی کرده است. او با بیش از سه دهه فعالیت مستمر در حوزهٔ آموزش، هم‌زمان در عرصه‌های تربیت معلم، تولید محتوای درسی و تدوین اسناد بالادستی نقش‌آفرینی کرده و از نزدیک با دغدغه‌ها و واقعیت‌های کلاس درس آشناست. دکتر باقریان بر این باور است که هر درس «روح» و پیام پنهانی دارد که تنها معلم آگاه و خلاق می‌تواند آن را به تجربه‌ای زنده و اثرگذار برای دانش‌آموز تبدیل کند.

**فضای زیست
دانشجو‌معلمی
سرشار از امکان
است؛ هم برای
رشد فردی و هم
برای توسعه
حرفه‌ای**

آموزشی نظام پنهان

محتوا

گفت‌وگو با
دکتر سید مهدی باقریان،
مدیرکل
دفتر برنامه‌ریزی
و تألیف
کتاب‌های درسی

تبدیل شده‌اند. برخی از آنان شاید فقط دبیر باشند، اما اثرگذاری اجتماعی و فرهنگی زیادی دارند یا در مدیریت مدرسه نقش آفرین شده‌اند. این نتیجه همان حلقه‌های تربیتی و هویتی است که در دوران دانشجویی شکل گرفته است. در این مسیر، بخشی از مسئولیت بر عهده سیاست‌گذاران و مدیران دانشگاه‌هاست که باید زمینه و فرصت لازم را فراهم کنند. بخشی نیز به خود دانشجویان باز می‌گردد که این فعالیت‌ها را برای آینده حرفه‌ای خود ضروری بدانند. بی‌تردید این مسیر فراز و نشیب‌هایی دارد، اما در رشد فردی و حرفه‌ای معلم نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کند.

از سخنان شما چنین برداشت می‌شود که دانشجوی معلم آینده صرفاً یک مدرس درس نیست، بلکه در ابعاد گوناگون می‌تواند بر دانش‌آموزان تأثیر بگذارد و این همان جوهره معلمی است. آیا این برداشت درست است؟
دقیقاً همین‌طور است. مهم‌ترین دفاعی که می‌توان از زیست‌بوم تربیت معلم کرد، تأکید بر «هویت معلمی» است. وظیفه ما این است که این هویت را هر چه بیشتر غنی کنیم. این موضوع تا حد زیادی به مدیریت مجموعه‌های آموزشی باز می‌گردد؛ به میزان میدان‌دادن به دانشجویان، ایجاد فضای آزاد فکری و فراهم کردن فرصت‌های رشد. البته این فرصت‌سازی نباید صرفاً از مدیران باشد، بلکه خود دانشجویان نیز باید در طراحی و خلق این فضاها نقش فعال داشته باشند.

دانشجو معلمان نقش تعیین‌کننده‌ای دارد. من همیشه به دانشجویان توصیه می‌کنم که در کنار تلاش جدی برای یادگیری تخصص خود، مثلاً در رشته‌هایی مانند فیزیک یا ریاضی، نگرش‌های تربیتی و علوم انسانی را نیز جدی بگیرند. معلم موفق صرفاً متخصص درس خود نیست، بلکه باید گرایش فرهنگی، تربیتی و اجتماعی داشته باشد و این گرایش در فعالیت‌های او نمود پیدا کند.

دانشجو معلم باید هم تجربه آموزش تخصصی عمیق را داشته باشد و هم آمادگی ذهنی و هویتی برای معلمی در خود ایجاد کند. از سوی دیگر، لازم است نسبت به تحولات فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و حتی سیاسی جامعه خود حساس باشد و دغدغه‌مندانده آن‌ها را دنبال کند؛ فارغ از اینکه حوزه تخصصی‌اش چیست. این دغدغه می‌تواند در قالب فعالیت‌هایی مانند انتشار نشریه دانشجویی، حضور در تشکلات فرهنگی اجتماعی یا حتی سیاسی فرهنگی بروز پیدا کند. چنین تجربه‌هایی در شکل‌گیری هویت حرفه‌ای معلم نقش مهمی دارند. البته بخش مهمی از این فرایند باید از دوره دبیرستان آغاز شود. این خود پرسش بزرگی است که چگونه می‌توان این مسیر را از همان دوره تقویت کرد؟

من امروز بسیاری از دوستان دوران تحصیلم در دانشگاه‌های معتبر کشور را می‌بینم که بعدها به مدیران موفق یا معلمان تأثیرگذار



آقای دکتر چقدر اهمیت دارد که دانشجو معلمان با طیف گسترده‌ای از چهره‌های علمی، فرهنگی و حرفه‌ای، از نویسندگان گرفته تا معلمان پیشکسوت، در ارتباط باشند؟

بی تردید این ارتباط‌ها بسیار مهم هستند. اگر امکان ایجاد حلقه‌های ارتباطی فراهم شود، خود دانشجویان می‌توانند بخش زیادی از این مسیر را مدیریت کنند. من به‌شخصه این تجربه را در دوران دانشجویی و فعالیت دانشگاهی داشته‌ام و می‌دانم که دانشجویان توان ایجاد چنین کانال‌هایی را دارند.

ما با امکانات محدود دانشجویی، شخصیت‌های فرهنگی و علمی را دعوت می‌کردیم تا در دانشگاه سخنرانی یا نشست‌های دوساعته برگزار کنند. جالب اینکه غالباً با استقبال مواجه می‌شدیم. امروز هم این فضا همچنان وجود دارد. تشکلات و کانون‌های دانشجویی که ما در ارتباط هستیم، گاهی ما را دعوت می‌کنند یا برای برگزاری چنین برنامه‌هایی مراجعه می‌کنند و این نشان می‌دهد که بستر تعامل هنوز فراهم است. ای کاش این ارتباط‌ها گسترده‌تر شوند و همه دانشجویان معلمان نسبت به مسائل تعلیم و تربیت، چه در حوزه سیاست‌گذاری و چه در حوزه اجرا، حساس و دغدغه‌مند باشند. آنان می‌توانند سیاست‌گذاران، مدیران و شخصیت‌های علمی را دعوت کنند و مطمئن باشند معمولاً با استقبال روبه‌رو می‌شوند.

این تعامل‌ها به تدریج حلقه‌های ارتباطی پایداری ایجاد می‌کنند. من می‌بینم، دانشجوی معلمانی که در این فضاها فعال بوده‌اند، بعدها تبدیل می‌شوند به واسطه‌های حضور سیاست‌گذاران در جمع معلمان. حتی مهم‌تر از آن، بر تصمیم‌گیری‌ها اثر می‌گذارند. این ارتباط‌ها فاصله‌ها را کم و گفت‌وگو را جایگزین گسست می‌کند.

فضای زیست دانشجوی معلمي سرشار از امکان است؛ هم برای رشد فردی و هم برای توسعه حرفه‌ای. هر مواجهه با یک سیاست‌گذار، استاد برجسته یا صاحب‌نظر علمی، برای دانشجو سرمایه‌ای ارزشمند است. این رفت‌وآمدها هم برای دانشجویان سودمندند و هم برای مدیران و سیاست‌گذاران که باید قدر این ظرفیت پنهان را بدانند و آن را به‌رسمیت بشناسند.

من گاهی با شوخی به دانشجویان جوان می‌گویم که امروز دارم تاوان برخی جسارت‌های دوران دانشجویی خودم را می‌دهم. آن زمان با شور و هیجان نقد می‌کردیم و حالا که در جایگاه مسئولیت قرار گرفته‌ایم، باید پاسخ‌گو باشیم. این نشان می‌دهد همان تجربه‌ها بعدها به مسئولیت‌پذیری تبدیل می‌شوند.

فلسفه علم در تربیت معلمان چه جایگاهی دارد و چگونه می‌تواند بر کیفیت آموزش بیفزاید؟

فلسفه علم به معلمان کمک می‌کند از نگاه صرفاً فنی و حافظه‌محور به آموزش فاصله بگیرند و علم را به‌عنوان جریانی زنده، تاریخی و فرهنگی درک کنند. این رویکرد نشان می‌دهد تحولات علمی حاصل تعامل عوامل فکری، اجتماعی و فرهنگی هستند، نه صرفاً نتیجه کشف‌های فردی.

برای مثال، گذار از فیزیک نیوتونی به نظریه‌های نسبیت و کوانتوم، بیانگر تغییر ابرانگاره‌هایی فکری است که در بستر تاریخ و فرهنگ شکل گرفته‌اند. درک این سیر تحول به معلم امکان می‌دهد مفاهیم را عمیق‌تر، جذاب‌تر و معنادارتر به دانش‌آموز منتقل کند.



همچنین، فلسفه علم با تقویت نگاه روش‌شناسانه، پویایی و زنده‌بودن دانش را برجسته و از تبدیل آموزش به فرایندی خشک و کلیشه‌ای جلوگیری می‌کند. در حوزه منابع مطالعاتی توصیه می‌شود دانشجویان معلمان از مطالعه تاریخ علم آغاز کنند و سپس به آثار مقدماتی فلسفه علم، مانند کتاب «چیستی علم»، مراجعه کنند تا به تدریج نگاه تحلیلی و بین‌رشته‌ای‌شان تقویت شود.



اگر معلمي در ده سال اول فعالیت خود با برنامه‌رشد و مسیر حرفه‌ای‌اش را آگاهانه طی کند، حتی در دورافتاده‌ترین مناطق نیز می‌تواند به چهره‌ای تأثیرگذار در سطح ملی بدل شود

دانشجو معلمان در بهبود برنامه‌های درسی و ارتقای کیفیت کتاب‌های آموزشی چه نقشی دارند؟

مهم‌ترین نقش دانشجویان معلمان، آمادگی حرفه‌ای و شناخت عمیق برنامه درسی و سازوکار اجرای آن است. بدون درک دقیق این ساختار، نقد و اصلاح کتاب‌های درسی اثربخش نخواهد بود. در سازمان پژوهش، پیش از تدوین هر کتاب، مراحل پژوهش، امکان‌سنجی و طراحی بسته‌های آموزشی طی می‌شود و آشنایی با این فرایندها برای معلمان آینده ضروری است. دانشجویان معلمان می‌توانند با تقویت مهارت‌های آموزشی، رویکرد تلفیقی و نگاه خلاق، حتی در چارچوب کتاب‌های موجود، آموزش عمیق و مؤثر ارائه دهند. انتخاب یک یا دو حوزه تخصصی برای مطالعه بلندمدت، آشنایی با سیاست‌گذاری‌های آموزشی و پیگیری مطالعات نظری، از دیگر عوامل موفقیت حرفه‌ای آنان محسوب می‌شوند.

معلم توانمند تنها مجری کتاب درسی نیست، بلکه با تحلیل، بازآفرینی و پیوند دادن مفاهیم، یادگیری را به تجربه‌ای ماندگار برای دانش‌آموزان بدل می‌کند.

چرا برخی معلمان به «چهره‌های درخشان» و اثرگذار تبدیل می‌شوند و دیگران کمتر دیده می‌شوند؟

حوزه تعلیم و تربیت قلمرویی بسیار گسترده با گرایش‌ها و تخصص‌های متنوع است. در همین مجموعه، افرادی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی درسی، تولید محتوا،



معلمان ستون اصلی اجرای برنامه‌های درسی هستند و بخش زیادی از کاستی‌های نظام آموزشی را با خلاقیت و تعهد خود جبران می‌کنند



مهم‌ترین عامل ماندگاری معلمان در ذهن و دل دانش‌آموزان چیست و چگونه می‌توان نقش تربیتی را تقویت کرد؟

مهم‌ترین عامل اثرگذاری معلم، حفظ «هویت معلمی» از دوران دانشجویی است. این هویت از طریق ارتباط با انسان‌های اصیل، متن‌های معتبر، فضاهای فرهنگی سالم و تجربه‌های عمیق شکل می‌گیرد. دانشجو معلمان و معلمان جوان باید بکوشند با چهره‌های علمی و فرهنگی ارتباط برقرار کنند، آثار ارزشمند بخوانند، در نشست‌ها و برنامه‌های فرهنگی شرکت کنند و نگاه خود را فراتر از کتاب درسی گسترش دهند. مطالعهٔ رمان‌های کلاسیک، حضور در محفل‌های علمی و گفت‌وگو با استادان برجسته، از جمله این تجربه‌های سازنده‌اند.

در کنار این نگاه فرهنگی، تسلط بر مهارت‌های حرفه‌ای نیز ضروری است؛ از جمله طراحی آموزشی، مدیریت کلاس و تسلط علمی. هنر معلم در ایجاد تعادل میان نگاه کلان تربیتی و مهارت‌های اجرایی روزمره است. معلمان نباید اجازه دهند مشکلات محیطی یا تجربه‌های منفی دیگران آنان را ناامید کند. هر معلم باید مسئول رشد خود باشد و مسیر پیشرفت را با امید، پشتکار و آگاهی دنبال کند.

در نهایت، تعلیم و تربیت زمانی اثربخش است که معلم بتواند میان آرمان‌گرایی فرهنگی و عمل‌گرایی حرفه‌ای تعادل برقرار کند؛ تعادلی که جوهرهٔ هنر معلمی را شکل می‌دهد.

با توجه به تجربه‌تان، نقش معلمان را در نقد و تحلیل کتاب‌های درسی و تعامل با نهادهای آموزشی چگونه ارزیابی می‌کنید؟

تجربه نشان داده است، معلمان نزدیک‌ترین افراد به منابع و متن‌های درسی هستند و بیشترین تأثیر را در آموزش، ارزشیابی و انتقال مفاهیم دارند. هر چند بسیاری از معلمان تنها به یک کتاب درسی دسترسی دارند، اما علاقه‌مندند محتوای آن را نقد و تحلیل کنند و با منابع دیگر تطبیق دهند.

به باور من، هر درس «هسته» یا «روح» خاصی دارد که ممکن است در چند واژه خلاصه شود. برای مثال، درسی در زبان عربی ممکن است در ظاهر بر ترجمه و دستور زبان تمرکز داشته باشد، اما در عمق خود حامل پیام‌هایی مانند دشمن‌شناسی یا تقویت هوشیاری اجتماعی است. معلمانی که این روح حاکم بر درس را درک می‌کنند، می‌توانند آموزش مؤثرتری ارائه دهند؛ حتی اگر در حوزه‌هایی مانند ریاضی، زبان یا علوم تدریس کنند.

بسیاری از معلمان تمایل دارند کتاب‌ها را نقد کنند، سؤال طرح کنند و پیشنهادها را اصلاحی بدهند. این فرایند نه تنها به دانش معلم عمق می‌بخشد، بلکه بر کیفیت آموزش نیز می‌افزاید. امروزه با گسترش شبکه‌های اجتماعی و پیام‌رسان‌ها، بستر مناسبی برای تعامل میان معلمان و نهادهای آموزشی فراهم شده است. این ارتباط، فرصتی ارزشمند برای هم‌افزایی علمی و حرفه‌ای است که باید بیش از پیش تقویت شود.

البته بخشی از ضعف این تعامل به نهادهای مسئول بازمی‌گردد. زبان تخصصی برنامهٔ درسی گاهی برای عموم معلمان دشوار است و رسانه‌های آموزشی نتوانسته‌اند این مفاهیم را به صورت ساده و قابل‌فهم منتقل کنند. با این حال، در سال‌های اخیر تلاش شده است در کنار هر کتاب راهنمای تفصیلی معلمی تهیه شود که جنبه‌های فنی، مفهومی و ارزشی آموزش را توضیح دهد. این راهنماها می‌توانند بستر مناسب نقد و گفت‌وگوی حرفه‌ای باشند.

به عنوان سخن پایانی، چشم‌انداز آینده برنامه‌های درسی و نقش مدرسه و معلمان را چگونه می‌بینید؟

سازمان پژوهش در حال حرکت به سوی رویکردی «مدرسه‌محور» در بازطراحی برنامه‌های درسی است. در این رویکرد، مدرسه نه تنها فضای فیزیکی، بلکه یک زیست‌بوم تربیتی با مأموریت، اهداف و شایستگی‌های مشخص تلقی می‌شود. بر این اساس، برای هر دوره تحصیلی و هر درس، اطلاعات عملکردی، راهبردهای یادگیری و شرایط محیط آموزشی تعریف می‌شوند. در این چارچوب، کتاب درسی تنها یکی از اجزای بسته‌های یادگیری است، نه محور مطلق آموزش. تمرکز بیش از حد بر کتاب می‌تواند به تضعیف نقش مدرسه و کلاس درس منجر شود. مدرسه توانمند می‌تواند بر اساس ظرفیت‌های خود، بخشی از برنامه را بومی‌سازی یا جایگزین کند؛ به شرط آنکه به اهداف کلان نظام آموزشی دست یابد.

در حال حاضر، اجرای آزمایشی این الگو از دوره ابتدایی آغاز شده و به تدریج به دوره‌های بالاتر نیز گسترش خواهد یافت. موفقیت این تحول، بیش از هر چیز، به همراهی و مشارکت معلمان وابسته است. معلمان ستون اصلی اجرای برنامه‌های درسی هستند و بخش زیادی از کاستی‌های نظام آموزشی را با خلاقیت و تعهد خود جبران می‌کنند. امید اصلی ما نیز به همین ظرفیت ارزشمند معلمان است. *

پژوهش و آموزش مهارت دارند. همه لزوماً برای یک نقش ساخته نشده‌اند و هر کس باید جایگاه حرفه‌ای خود را بی‌شناسد.

برخی معلمان در یک حوزه خاص تخصص عمیق پیدا می‌کنند و همان نقطه قوت، عامل درخشش آن‌ها می‌شود. عرصه آموزش بستر مناسب شکوفایی استعدادهاست و هر فرد با شناخت توانایی‌های خود می‌تواند مسیر موفقیتش را پیدا کند.

معلمانی که تجربه‌های زیسته خود را به تولید محتوای ارزشمند، کتاب، پادپخش یا شیوه‌های نوین تدریس تبدیل می‌کنند، معمولاً به چهره‌های مرجع تبدیل می‌شوند. اگر معلمی در ده سال اول فعالیت خود با برنامه رشد کند و مسیر حرفه‌ای‌اش را آگاهانه بگذراند، حتی در دورافتاده‌ترین منطقه‌ها هم می‌تواند به چهره‌ای تأثیرگذار در سطح ملی تبدیل شود.

معلمان چگونه می‌توانند در حوزه تخصصی خود رشد کنند و از مشاغل غیرمرتبط فاصله بگیرند؟

تجربه نشان داده است، بسیاری از معلمان موفق، مسیر رشد خود را از دوران دانشسرا و تربیت معلم آغاز کرده‌اند. آن‌ها با تمرکز بر تخصص، تجربه‌اندوختی و تفکر تحلیلی، به جایگاه‌های علمی و مدیریتی رسیده‌اند. ورود به سازمان‌ها و مراکز تخصصی آموزشی همیشه آسان نیست، اما اغلب مدیران به دنبال معلمانی هستند که تجربه عمیق، نگاه فکورانه و تولید فکری داشته باشند. معلمی که از تجربه‌های خود محصول فکری می‌سازد، همواره مورد توجه قرار می‌گیرد.

امروزه حتی با ابزارهای نوین مانند پادپخش، رسانه‌های آموزشی و تولید محتوای دیجیتال، امکان دیده شدن برای معلمان فراهم است. شرط اصلی، برنامه‌ریزی برای رشد فردی، تسلط بر مهارت‌ها و انتخاب حوزه‌ای تخصصی برای فعالیت بلندمدت است. هر معلم باید ضمن تسلط بر رشته خود، یک یاد و محور مکمل را نیز دنبال کند تا بتواند جایگاه حرفه‌ای پایداری برای خود ایجاد کند.